

وهفت پیکر نظامی

I - اهمیت عدد هفت

۷ = هفت در ابنیه و آثار

هفت تپه  
روم

ناحیه شهر روم مرکب از هفت تپه بوده است.

پیش از بنای شهر روم (طبق روایات

در سال ۷۵۳ ق. م) بر فراز برخی از تپه های هفتگانه

روستاهایی وجود داشته است که مردم عصر مفرغ

کلبه های مدور خود را در آنها ساخته بودند. یکی

از آن کلبه ها تا اواسط جمهوریّت باقی مانده بکلبه

«رمولوس» معروف بود. احتمال میرود اول تپه های

پالاتن و کوئیرینال و کلیوس و اسکیلن مسکون شده

باشد. تپه کایتل و دره بین پالاتن و کوئیرینال آنکاه

قبرستان بوده چندی بعد یعنی در حدود ۶۰۰ ق. م

فاتحان اتروسک آن سرزمین را تصرف و اهالی قراء

مختلف را مجبور کردند تا با هم متحد شوند و شهری

واحد تشکیل دهند که شامل: کوئیرینال، ویمینال،

اسکیلن، کلیوس، پالاتن و کایتل بود. پس از

آن بر حسب عادت اتروسکان بدور روستاهای مزبور

دیواری موسوم بحصار مقدس یا پیریوم (۱) کشیدند

که افسانه ها بنای آنرا به «رمولوس» نسبت دهند.

ولی تپه اواتن بیرون شهر ماند (۲)، بعدها هر هفت

تپه داخل حصار گردید (۳) و بیاد افزودن تپه هفتم

بتلال دیگر ودخول آن در میان حصار، رومیان جشنی

برپا میساختند که ذکر آن گذشت.

تیسفون نام بزرگترین شهر ایران مرکب

از چند آبادی بود که مجموع آنها را

بزرگان سریانی ماحوزه (۴) و گاهی مدینانا

(۵) نامدینه (۶) میگفتند و عرب آنها را «المدائن»

(شهرها) خوانده است. حدس زده اند که نام مجموع

این شهرها بزرگان پهلوی «شهرستانان» بوده ولی اکنون

سندی در دست نیست و ظاهراً کلمات سابق ترجمه آنست.

در قرن آخر دولت ساسانیان، مداین مشتمل بر

هفت شهر بود. مورخان عرب و ایرانی که کتب خود

را در زمان ویرانی بازوال مداین نوشته اند، تعداد

آنها را باختلاف ذکر کرده اند و ما از مجموعه این

شهرها پنج شهر را میشناسیم اینچنین:

در ساحل شرقی دجله شهر قدیمی تیسفون (۷)

دشهر رومگان (۸) و در جانب غربی شط شهر

وه اردشیر (۹) (سلوسی) (۱۰) و در زیندان (۱۱)

و ولش آباد (۱۲) و اگر محله اسپان بر (۱۳)

واقع در ساحل چپ و محله ماحوزا واقع در ساحل

راست را دو شهر مستقل بحساب در آوریم، عدد هفت

شهر با بنیخت ساسانی کامل گردد (۱۴).

(۱) Pomoerium (۲) تاریخ رم تألیف آلبر ماله و ژول ایزاک. ترجمه زیرک زاده ص ۱۶-۱۷ و

۲۱-۲۲ (۳) قاموس کتاب مقدس ص ۴۳۰ ستون ۱. (۴) Mâhôzé (۵) Medhînâthâ

(۶) Medhiné (۷) پهلوی Têspôn (۸) Rûmaghân (۹) Vêh-Ardashêr

(۱۰) Séleucie (۱۱) Darzanîdhân (۱۲) (Sâbât) Valâshâbâdh (۱۳) Aspânbar

(۱۴) Christensen, L'Iran sous les Sas. p. 383-389.

## ۸ = هفت در علوم مکتوفه (۱)

کیسا گران بهریک از سیاره های هفتگانه ذیل :  
آفتاب ، ماه ، مشتری ، زهره ، زحل ، مریخ ، عطارد، بترتیب هفت فلز اصلی ذیل را منتسب دارند:  
طلا ، قره ، ارزیر ، مس ، سرب ، آهن و جیوه (۸)  
هفت جوش هفت جسد را دانسته اند که با هم  
گذازند و چیزها سازند و آن :

آهن ، جس ؛ (۹) که روح توتیا باشد، سرب ، طلا ، قلع (قلعی) ، مس و قره است (۱۰) و این هفت را هفت گنجینه نیز نامیده اند (۱۱).  
در علم «وفق اعداد» نیز خواصی برای جدول هفت در هفت نقل کنند (۱۲).

در جفر بیست و هشت حرف را بچهار بخش و هر بخش را به هفت حرف تقسیم کنند اینچنین :

هفت حرف آبی : ج ، ز ، ک ، س ، ق ، ت ، ط  
هفت حرف آتشی : ا ، ه ، ط ، م ، ف ، ش ، ذ

هفت حرف خاکی : د ، ح ، ال ، ع ، ر ، خ ، غ  
هفت حرف هوایی (بادی) : ب ، و ، ی ، ن ، ه ، ت

ت ، س (۱۳)  
نسبت این حروف با سیاره از جدول ذیل آشکار گردد (۱۴) :

علمای احکام نجوم بشماره هفت ارزش بسیار دهند. در این علم ، برای جهان هفت دور قائلند که مدت هر دور هزار سال است و تعلق یکی از سیعه سیاره دارد و چون هزار سال تمام شود دور سیاره دیگر گردد و از زحل گرفته بترتیب تا بقره رسد و بعضی گویند مدت هر دور هفت هزار سال است که مجموع چهل و نه هزار سال باشد و چون این ادوار تمام شود قیامت قائم گردد (۲) . حافظ گوید :

از چنگ منش اختر بد مهر بدربرد  
آری چکنم دولت (۳) دور قمری بود (۴)  
ابوریحان بیرونی در التفهیم ، اندر عنوان «فردارهای ستارگان کدامند» آرد (۵) : «این از رایجهای پارسیانست و مردم بتدییر خداوند فردار (۶) بود آن سالها که او راست . چون تمام شوند بدیگر تندیر اندر آید که از پس اوست و هر مولودی که بروز بود ابتدا از آفتاب کنند و هر مولودی که شب بود ابتدا از قمر کنند و ترتیب خداوندان فردار بفلکهای کواکب است از برسوی فرسوی و هر فرداری سالهای او میان هفت ستاره بخشیده است بخشیدنی راست و نصدین بخشش خداوند آن فردار را بود خالص و دوم بخشش هم او راست ولیکن با نبازی آن ستاره که زیر فلک اوست (۷)

سیاره سیعه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
آتشی مرفوع	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی منصوب	ب	و	ی	ن	س	ت	ش
آبی مکسور	ج	ز	ک	س	ق	ت	ط
خاکی مجزوم	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

(۱) Sciences occultes (۲) برهان قاطع . و در فرهنگ رشیدی آمده : هفت دور ، یعنی هفت

هزار سال که هر هزار ستاره ای تعلق دارد . (۳) ن . ل : فتنه . (۴) دیوان حافظ مصحح آقای

محمد قزوینی ص ۱۴۶ . (۵) التفهیم مصحح آقای همایی ص ۳۶۶ . (۶) الفردار قسه العمر بین-

الکواکب السبعه ، لکل کوکب منها سنون معلومه یقال لها سنو الفردار (مفاتیح العلوم خوارزمی) . همایی .

(۷) رک : هنا نکتات من ۳۶۷ یعد (جدول فردارها) . (۸) دائرة المعارف اسلام : سبع و رک :

عنوان «آیین منان» و «کتاب سیعه اسنام» از همین رساله . (۹) در غیبات اللغات : جست . ۲۰۷

(۱۰) برهان قاطع . (۱۱) برهان و رشیدی ذیل «هفت گنجینه» . منتهی بجای «جس» ، برنج را

ذکر کرده است . (۱۲) نغایس الفنون ، قسم دوم در علوم اوایل ص ۲۰۷ . (۱۳) رک : برهان

قاطع ، در هر یک از عنوانهای مذکور (هفت حرف ...) (۱۴) رک : مفتاح الاستخراج از جفر جامع

تألیف محمود دهدار و ضمیمه آن جفر الجامع والنور الالامع . چاپ بیهی ص ۳۰۳ . ۹۸۴-۹۸۵ . (۱۵)

در طب اسلامی و اعمال خارق العاده وابسته بدان، مخصوصاً عدد هفت بسیار استعمال شود. روایت کرده اند که چون پیامبر اسلام بیمار گشت، هفت مشک آب بر وی ریختند (۴). اعضای مجروح یا درد مندر هفت بار باید داغ کرد (۵).

در کتاب «سحر و مذهب در افریقای شمالی» تألیف دوت، جدولی مربع مرکب از  $7 \times 7$  خانه دیده میشود که رده بالای آن شامل هفت مهر است (۶) و نیز در همین کتاب تمویذ «سبع عهود» مندرج است (۷).

در خواص آیات، برای تکرار عملی عموماً عدد ۷ و هفت مقرر گردیده است. بک آیه یا عبارت مقرر طبق فن مزبور در هفت روز متوالی باید تکرار شود (۱).

شیخ محمد بن احمد نسری در کتاب «فتح النعال فی مدح النعال» هفت صورت از نعل پیامبر ص نکاشته و خواص بسیار جهت آنها ذکر کرده است. برای تکسیر حرفی سوره «کوثر» و «نادعلی» (۲) در مربع هفت در هفت خواص فراوان نقل کرده اند (۳).

## ۹ - هفت در فرهنگ عامه ( فولك لر )

سپس آنچه موجود است بهفت قسمت کنند و هر قسمت را بکسی دهند و آنان نیز باید هفت صلوات بفرستند و هر حاجتی که بخواهند بر آورده شود.

**چهارشنبه سوری**  
در شب چهارشنبه سوری باید از هفت دکان که رو قبله باشد از هر دکان صد دینار اسفند بخرند و برای دفع چشم زخم دود کنند (۱۲).

دیگر از آداب شب مزبور، قلیا سویدن است؛ اندکی قلیای خشک در هاون برنجین کوچکی میریزند و هفت دختر نابالغ دسته میزنند و با آب میسایند و بر آن بول کنند و آن آب را در چهار گوشه صحن خانه ای که آنرا جادو کرده اند ریزند و بقین دارند که بدین تدبیر جادو باطل گردد (۱۳).

در شب چهارشنبه سوری، در زنجان دخترانی را که میخواهند زود تر شوهر بدهند آب انبار بریزند و هفت گره بر جامه ایشان زنند و پسران نابالغ باید آن هفت گره را بکشایند (۱۴).

از مشهور ترین مراسم جشن نوروز آراستن هفت سین است و آن کرد آوردن هفت چیز است که نام آنها با حرف «س» آغاز گردد. معمولاً بین اشیا ذیل: سیب، سیاهدانه، سنجد، ساق، سیر، سرکه، سبزه (۸)، سبزی، سنو، هفت چیز را انتخاب کنند. سنت مزبور بسیار کهن بنظر میرسد (۹). در کیلان خوانچه هفت سین در جشن عروسی نیز مرسوم است (۱۰).

از جمله اموری که بهنگام پیش آمد مشکلی یا استعجاب مراد بکار برند، آجیل مشکل کشاست و آن عبارتست از نخودچی و کشمش و توت خشک و خرما و پسته و بادام و فندق که بقدر معینی میخردند و روز جمعه آخر هر ماه نذر می کنند و تا پایان عمر بدین نذر عمل باید کرد. نخستین بار که بدین کار اقدام کنند باید در زمین آبشکه مشغول بوسن کردن دانه های آجیل هستند قصه مخصوصی نقل کنند (۱۱) و دور کت نماز حاجات بگزارند و

### آجیل مشکل کشا

- (۱) A. Christensen, *Xavâss-i-Ayât*. Kobcnhavn. p. 14 (۲) فقط دو جمله «نادعلیاً مظهر المعایب تجده عوناً لك فی النوائب» (۳) دك: مقدمه قرآن. میرزا علی محمد کاشانی سال ۱۲۹۸ قمری. (۴) صحیح بخاری. وضو، باب ۱۴. (۵) صحیح بخاری. تمنی. باب ۶. دك: دائرة المعارف اسلام: سبع. (۶) Douité, *Magie et Religion dans l'Afrique du Nord*. Alger. 1909 p. 157. (۷) Ibid; p. 112. et 180. (۸) دانه های گندم و امثال آن که قبلاً در بشقایی کاشته و سبز کرده اند. (۹) پشتها، پوردادود، ج ۱ ص ۷۷. (۱۰) H. Massé, *Croyances et Coutumes*, tome 1, p. 156 157. (۱۱) برای اطلاع از قصه مزبور و تفصیل آجیل مشکل کشا، رك: چهارشنبه سوری بقلم آقای نفیسی. مجله مهر سال اول شماره ۱۶ ص ۸۴۷-۸۴۸ و H. Massé, *Croy. et Cout.* p. 299-300 (۱۲) همان مجله ص ۸۵۱. (۱۳) همان مجله ص ۸۵۴. (۱۴) همان مجله ص ۸۵۴.

### مراسم ازدواج

از مراسم ازدواج آنست که در جای معینی که عروس باید بنشیند، قرش را بر میدارند و پارچه‌ای از چلووار قرمز

باهفت میخ تهیه کنند، پارچه را بر زمین گسترند و چکشی در دست گیرند یکی از زنان سوره «یس» قرائت کند، بهر حرف «س» که برسد، زن دیگر با یک ضربه یک میخ را روی پارچه گوید چنانکه کوفتن آخرین میخ با هفتمین سین تطبیق شود (۱).

در برخی از نواحی ایران (مانند کیلان) معمولست که بهنگام عقد ازدواج، عاقد یادستیار او هفت بار طرح عقد نامه را برای عروس خواند و از او رضایت طلبد و عروس شش بار اول سکوت کند و بار آخر «بله» گوید.

در مراسم ازدواج زرتشتیان نیز شماره هفت دخالت نام دارد:

بله بر آن بار قعه نویسان - چون از سوی خانواده داماد نامه‌ای مشعر بر پیشنهاد ازدواج با تشریفات و بخانواده عروس برسد، بفاصله سه یا هفت روز دختر و خانواده او تمسیم گرفته جواب را با همان تشریفات بر میگرددانند.

شیرینی خوران با نامزدی یا طلبان - بعد از ظهر روز مقرر مادر و خواهر داماد با اتفاق سه یا پنج تن که جمعی باید پنج یا هفت تن باشند و خود داماد هدایا که عبارت از چند عدد کله قند که روکش سبز دارد (و بقند سبز معروفست) و یک یا چند قواره پارچه لباس و اشیاء دیگر (۲) با یک ظرف نبات و قدری آویشن در چند سینی گذاشته و با یک سینی بزرگ شیرینی و یک جفت لاله یا شمعدان (با شمع روشن) یا خود بخانه عروس برند.

از مراسم همین جشن آنست که مادر داماد یا

خواهر او ظرف نبات و یک انار که پنج یا هفت سکه سفید (قره) بآن نصب شده است در دامان عروس گذارد و تبریک گوید.

روز عروسی - بعد از ظهر روز عروسی از طرف خانواده داماد، هفت یا نه تن برای آراستن عروس بخانه او آیند و نیز پنج تن از معتمدان و نزدیکان داماد بایکتن از بزرگان معتمدان طرفین و دهوید (۳) که مجموعاً هفت تن باشند هر کدام شمع روشن در دست گیرند و با گروهی بسیار از تماشاگران سوی خانه عروس روان شوند. این هفت تن را شاهد گویند.

شاهدان پس از شنیدن پاسخ پرسشهای خود از عروس (در باره نام وی و رضایت با ازدواج و تعیین وکیل (۴)) با اتفاق هفت تن از طرف عروس و داماد و مادر عروس، بخانه داماد مراجعت کنند و نتیجه را با اطلاع او یادستور یا موید رسانند.

گواه گیری - در مجلس «گواه گیری» با عقد داماد و وکیل دختر و وروی یکدیگر نشینند و در دست راست داماد، موید و در دست چپ او دهوید و در برابر آنان سفره گواه گسترده و هفت شمع یا چراغ افروخته است و سینی «لورک» (۵) و شیرینی که از سوی داماد تهیه شده است در وسط قرار دارد و گرداگرد سفره، گواهان زن و مرد می نشینند و چون کشتی نو کردند (۶) دستور هفت دانه «لورک» در دست راست داماد گذارد و آنرا با دست راست وکیل عروس برسم بیسان بهم پیوند دهد (۷).

در زینت زنان عدد هفت نیز دخالت دارد. اصطلاحات «هر هفت» و «هفت ونه» که در فرهنگها یاد شده مربوط بهت ماده اصلی آرایش زن و نه آلت زینت که مکمل جامعه زنانست، میباشد (۸).

### آیین آرایش

(۱) *Croy. et Cout.* tome 1. p. 66-67 (۲) نوع و تعداد و مقدار آنها قبلاً با موافقت طرفین تعیین شده است. (۳) بفتح دال بجای شاگرد و دستیار موید یادستور است و بعضی از مراسم مذهبی را بجای وی انجام دهد. (۴) که مسولاً پدر یا پدر خوانده عروس است. (۵) *Lork* مخلوطی است از هفت چیز چون مغز بادام، مغز پسته، سنجید، خلال نارگیل، خرما، خشک، تکه های نبات، نقل سفید، بادامشکی، کشمش سبز و غیره ولی سنجید از لوازم است. (۶) رک، مزدیستا و تأثیر آن در ادبیات پارسی تألیف نگارنده س ۲۵۰. (۷) مراسم ازدواج زرتشتیان از مقاله (تهیه مقدمات و اجرای مراسم زناشویی در بین زرتشتیان ایران و پارسیان هندوستان) بقلم آقای کشاورز در مجله پشوتن سال اول شماره ۵ اجتناب شده است. (۸) *Croy et Cout.* tome 1. p. 86-87. (۹)